

بررسی و تطبیق راهبردهای مدیریت پایدار حریم کلانشهرها؛ تهران و کلانشهرهای جهانی

مهدی امینی^۱، زیاری، یوسفعلی^{۲*}، عبدالرضا فرجی^۳

^۱ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
^۲ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
^۳ دکتری جغرافیا سیاسی و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۳۰

چکیده

حریم تهران عرصه استقرار حدود ۲۳ شهر، ۲۳۷ روستای دارای سکنه و صدها کانون فعالیتی می‌باشد که در مجموع حدود ۲ میلیون نفر انسان را در برمی‌گیرد که همچنان مسیر خود را در جذب مهاجران، رشد جمعیت و تداوم گسترش فضایی سکونت‌های رسمی و غیررسمی طی می‌نماید. این مناطق با آسیب‌های فراوان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی و همچنین نقش خلاءهای مدیریتی و نظارتی در دست‌درازی گروه‌های ثروت و زمین‌خوار تحت اسامی مختلف به اراضی حریم روبروز با مسائل و مشکلات جدیدتر، بزرگ‌تر و پیچیده‌تری روبرو می‌گردد که مدیریت پایدار آن را تا حدود بسیاری غیرممکن می‌نماید. محدوده رسمی و قانونی کلانشهر تهران نیز به صورت دوسویه از مشکلات و آسیب‌های حریم آن تأثیر پذیرفته و تأثیرگذار خواهد بود. البته این مساله (حریم و مدیریت پایدار آن در تناظر با کلانشهر) در مطالعات و مدیریت شهری دنیا مسبقاً به سابقه است و با برنامه‌ها و راهبردهای مشخص و بعضاً متعددی روبرو بوده است. در این تحقیق با توجه به پژوهش‌های ملی و بین‌المللی و داده‌های ثانویه گردآوری شده در تجربیات مدیریت و برنامه‌های راهبردی مناطق حریم کلانشهرهای جهانی ضمن مقایسه روش‌ها، راهبردهای و فنون مدیریت و برنامه‌ریزی حریم، چارچوب مشخصی از برنامه‌های راهبردی ممکن برای مدیریت حریم کلانشهر تهران (که با مساحت حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع اکنون وسعتی بزرگتر از محدوده رسمی کلانشهر تهران دارد)، ارائه شده است که بدین منظور به بررسی وضعیت و تمهیدات مدیریتی در برنامه‌ریزی و کنترل حریم کلانشهر لندن، پاریس، استانبول، تورنتو و داکا پرداخته شده است.

نتایج این تطبیق منجر به شناسایی دو رویکرد اصلی برنامه‌ریزی حریم، "کمربند سبز" و "اعمال محدوده فرامرزی" و ملاحظات و پیامدهای آنها - که به ترتیب راهبردهای اصلی بریتانیا و ایالات متحده هستند - شده است. لزوم استفاده از روش‌های ابتکاری و خلاقانه بر مبنای وضعیت بومی، افزایش نقش مشارکتی شهروندان و نهادهای اجتماعی و بخش خصوصی و همکاری و تعامل دولت مرکزی با دولت محلی و بهره‌برداری از

* نویسنده عهده دار مکاتبات:

ظرفیت‌های موجود در حریم شهر تهران برای رشد و توسعه کنترل شده کلانشهر از مهم‌ترین نتایج این مقایسه و مطالعه است.

کلید واژه‌ها: حریم، کلانشهر جهانی، تهران، راهبرد، مدیریت، برنامه‌ریزی

مقدمه

با وجود اهمیت و حساسیت فراوان موضوع مدیریت حریم شهر تهران، سوابق مطالعاتی اندکی در این زمینه وجود دارد. برخی از این مطالعات، مانند مطالعات حریم طرح جامع تهران، به طور مستقیم و بقیه آنها به طور غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. بررسی و تحلیل تجارب جهانی در زمینه اصول و روش‌های مدیریت برنامه‌ریزی حریم کلانشهرها، موضوعی است که انتظار می‌رود به سوالات زیر پاسخ مناسبی ارائه دهد:

- آیا مفهوم "حریم" اساساً در ارتباط با کلانشهرهای جهانی به کار می‌رود؟ در غیر این صورت چه مفاهیمی دارای کاربرد هستند؟
- نظام برنامه‌ریزی، مدیریت و قوانین و مقررات حاکم بر حریم کلانشهرها واجد چه ویژگی‌هایی است؟
- چه درس‌هایی در ارتباط با هر یک از نمونه‌های جهانی به منظور کاربردی در شرایط تهران قابل شناسایی است؟

برای پاسخ به سوالات فوق، هر یک از نمونه‌ها در محورهای نظام حکمروایی کلانشهری و تبیین عمومی نظام برنامه‌ریزی، مدیریت و قوانین و مقررات حاکم بر حریم بررسی شده‌اند.

در این بررسی، لندن از میان کشورهای اروپایی دارای اندازه حکومت بزرگ، پاریس به عنوان نماینده کشورهای اروپایی دارای اندازه حکومت کوچک با تعداد وظایف متوسط، تورنتو به عنوان نماینده اصلی کشورهای آمریکای شمالی، استانبول به عنوان یک شهر آسیایی-اروپایی و دارای جایگاه نماینده کشورهای منطقه و همسایه و داکا به عنوان سرنوشت شهرهایی که اقدام و سازوکارهای یکپارچه در مدیریت حریم را به فراموشی بسپارند مورد توجه قرار گرفته است.

جدول ۱: نمونه‌های انتخابی برای بررسی مدیریت حریم کلانشهرها

ردیف	شهر	کشور	دلایل انتخاب
۱	لندن	انگلستان	نماینده کشورهای اروپایی دارای وظایف متعدد و اندازه بزرگ حکومت محلی (اسکاندیناوی، هلند، انگلستان) و کشورهای اروپایی دارای وظایف متوسط و اندازه متوسط حکومت محلی متوسط (فنلاند، آلمان، بلژیک)
۲	پاریس	فرانسه	نماینده کشورهای اروپایی از منظر اندازه حکومت محلی کوچک با وظایف متوسط (فرانسه، اسپانیا، سوئیس، اتریش) و کشورهای اروپایی حکومت محلی کوچک با وظایف محدود (ایتالیا، پرتغال، یونان)
۳	استانبول	ترکیه	نماینده کشورهای همسایه و برخوردار از جایگاه مناسب در میان کشورهای منطقه
۴	تورنتو	کانادا	نماینده کشورهای آمریکای شمالی
۵	داکا	بنگلادش	نماینده کشورهای آسیایی و یکی از مهم‌ترین نمونه‌های مورد بررسی در جهان در زمینه ابعاد مختلف توسعه شهری، اسکان غیررسمی و ... با سابقه تهیه طرح‌ها و برنامه‌هایی در زمینه حکمروایی منطقه‌ای که هیچگاه به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند.

منبع: محقق

مفاهیم و مبانی نظری

حریم از نظر لغوی به معنای منع است و تعرض دیگران به حق صاحب حریم ممنوع است. به موجب ماده ۱۳۶ قانون مدنی حریم مقداری از اراضی اطراف ملک، قنات، شهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد. حریم، موضع و چیزی است که در اطراف و پیرامون اموال و حقوق مردم قرار دارد و ... به صراحت هر گونه دست نهادن بر آن را، عرف و شرع حرام دانسته است. (بشیری و دیگران، ۱۳۹۰، ۴)

بررسی مفاهیم مرتبط با حریم نشان‌دهنده دو نمونه بسیار نزدیک به مفهوم قانونی و برنامه‌ریزانه حریم و نه مفهوم علمی و جغرافیایی آن است. این دو مفهوم عبارتند از مفهوم کمربند سبز^۱ که در بریتانیا و چند کشور اروپایی به کار می‌رود و دیگری محدوده اعمال قدرت فرا-مرزی^۲ شهرهای امریکایی.

کمربند سبز که بعد از قانون برنامه‌ریزی شهری و روستایی ۱۹۳۷ بریتانیا در تمامی شهرهای بریتانیایی به خصوص شهرهای بزرگ الزامی شد محدوده‌ای است که پیرامون بلافصل شهرها تعیین شده و پس از تصویب -که با تضارب آرای فراوان همراه است- اجازه هیچ گونه توسعه‌ای در آن داده نمی‌شود. کمربند سبز، محدوده‌ای برای جلوگیری از توسعه پیوسته و افقی شهر کوچک و بزرگ پیرامون شهر مرکزی است.

نمونه نزدیک دیگر، تعریف محدوده‌هایی پیرامون شهرها است که با عنوان محدوده‌های اعمال قدرت فرا-مرزی در تعدادی از ایالات امریکا شناخته می‌شود. در این نوع اقدام که شباهت بیشتری به وضعیت امروز شهرهای ایرانی دارد، شهرداری شهر مرکزی، محدوده‌ای را در نواحی بلافصل شهرداری تعریف می‌کند که در آن نواحی، مقررات منطقه‌بندی خاصی برای کاربری زمین از سوی شهرداری شهر مرکزی اعمال خواهد شد. محدوده این حریم، رابطه مستقیمی با حوزه نفوذ شهر مرکزی و جمعیت آن دارد. این زاہبرد منطقه‌گرایی با وجود شهرداری‌های دیگر در محدوده بلافصل شهرداری مرکزی (مانند شرایط تهران و شهرهای اطراف) که هر یک حق دارای حریم مجزا و مستقلی را برای خود تعریف کنند موجب اغتشاش فضایی و مدیریتی بیشتری شده و در نتیجه شهر یا کلانشهر مرکزی اثر بخشی چندانی در کنترل توسعه فضایی هاله کلان شهری نخواهد داشت. (مطالعات طرح راهبردی حریم تهران، ۱۳۸۸)

مفاهیم عمده دیگر مشابه در مورد حریم که در کشورها و شهرها و نظریات مختلف بکار برده شده‌اند عبارتند از:

- نواحی حومه‌ای^۳: حومه‌ها معمولاً دارای تعلقات و وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی مشترکی با شهر مرکزی هستند و در همراهی با شهر مرکزی، ناحیه کلان شهری را شکل می‌دهند. (Caves, 2005; Pitzl, 2004)

- نواحی پیراشهری^۴: در تعریف محققین از مفهوم پیراشهری، آنها بر موزاییک الگوهای کاربری زمین، قابلیت دسترسی این ناحیه به شهر، تنوع بخشی درآمد های خانوار، همجواری با بازارها، در دسترس بودن نیروی کار کشاورزی و امکانات اشتغال غیر کشاورزی تاکید دارند (Marshall et al., 2009, 3-5).

¹ Green Belt

² Extra-territorial jurisdiction

³ suburbia

⁴ Peri-urban

و مفاهیم مشابه دیگر همچون آگزوپلیس، سکونتگاه‌های فراشهری و شهرلیه. (Ibid, 32-40)

اما در مورد تعریف محدوده شهر طبق قانون، در ماده ۱۰ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها مصوب ۱۳۸۴/۴/۱۰ تعریف جدید جایگزین «حریم استحفاظی» و نظایر آنها در مورد «محدوده نفوذی» «محدوده نهایی» محدوده روستا و «محدوده قانونی شهرک» آورده شده است. (فرشیدی، اسماعیلی، ۱۳۸۹، ۵۴۵)

نظریات مختلفی نیز در مورد شهر و حریم آن و مناطق پیراشهری و همچنین توسعه شهر به سمت حومه و پیرامون وجود دارد که بسیار شناخته شده و مورد بحث می‌باشد و برای اختصار (بدون توضیح و تفصیل) مهمترین این نظریات و محققین ارائه دهنده آنها عبارتند از: نظریه شهرهای نامتمرکز کوین لینچ، نظریه ساختار شهری جهان سومی ارنست گریفین و لری فورد، نظریه شهرهای محلی سوریای ماتا، نظریه توسعه پایدار شهری، نظریه توسعه روستا-شهر فریدمن، نظریه توسعه شهری، نظریه رانت فن تونن، نظریه رانت هورد، نظریه کیفیت رشد و تکامل شهری مکنزی، نظریه جهانی شدن آنتونی گیدنز، نظریه تمرکززدایی و در آخر نظریه حکمروایی خوب شهری

روش تحقیق

در منابع مرتبط با روش‌های تحقیق اجتماعی (بیکر، ۱۳۷۷؛ گیدنز، ۱۳۷۸؛ Macionis, 1997) بر چهار روش تحقیق عمده در علوم اجتماعی بیشتر تاکید می‌شود: روش تحقیق پیمایشی، روش آزمایشی، روش تحقیق مشاهده مشارکتی، روش تحلیل داده‌های ثانویه.

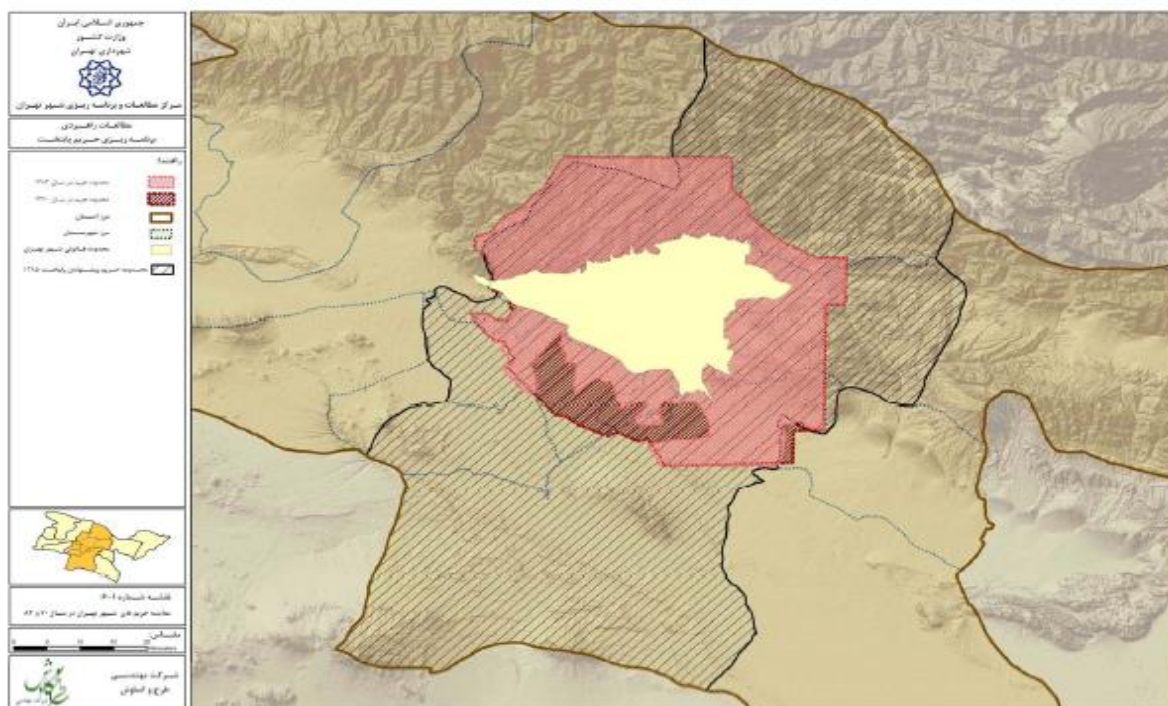
از این میان دو روش تحقیق عمده مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از: روش پیمایش و روش تحلیل داده‌های موجود (ثانویه). نوع تحقیق از نوع توصیفی، تبیینی و اکتشافی بوده و در آن از روش‌شناسی تطبیقی و روش تحقیق میدانی و مشاهده مشارکتی استفاده شده است. تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز یادداشت‌برداری، مطالعه اسناد و مصاحبه است.

منطقه کلانشهری تهران و حریم آن

شهر تهران در کوهپایه‌های جنوبی رشته کوه البرز در مختصات جغرافیایی بین ۵۲° تا ۵۲° ۴۰' طول شرقی و ۳۵° ۳۰' تا ۳۵° ۵۱' عرض شمالی (Sohrabinia and Khorshiddoust, 2007, 270) به طول و عرض تقریبی ۵۰ و ۳۰ کیلومتر گسترده شده است. وسعت شهر تهران در طول دویست و بیست و پنج سال (۱۱۶۴-۱۳۸۹) از حدود ۴,۴ کیلومتر مربع به ۷۵۰ کیلومتر مربع رسیده و در طول همین مدت جمعیت آن با رشد ۶۰۰ برابر از ۱۵ هزار نفر به بیش از ۱۰ میلیون نفر رسیده است (Mukomo, 1996, 266). با وجود این که ۱۱ درصد جمعیت کشور در شهر تهران زندگی می‌کنند، اما حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران مربوط به این شهر است. حریم شهر تهران برای نخستین بار در طرح جامع مصوب ۱۳۳۷ تعیین شد، سپس در سال‌های ۱۳۴۹، ۱۳۷۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ مورد بازنگری قرار گرفت. در طرح ۱۳۸۹ سه ضرورت: هدایت و کنترل تحولات کالبدی شهر و حفظ هویت و تشخیص فضایی-

کالبدی کلانشهر تهران، حفاظت از گستره‌های زیست محیطی پیرامون شهر تهران و سامان بخشی به اسکان و استقرار بی رویه جمعیت و فعالیت؛ به منظور تعیین و تدقیق حریم شهر تهران مد نظر قرار گرفته است (بوم سازگان، ۸۵). حریم مصوب ۱۳۸۵ (طرح جامع تهران) که طرح حاضر بر مبنای مرزهای آن تدوین شده، محدوده ای به وسعت ۵۹۱۹,۵۰ کیلومتر مربع و شامل هفت شهرستان است. در این طرح به جز شهر تهران، ۲۳ شهر و ۲۹۶ آبادی وجود دارد.

نقشه ۱: حریم تهران و تغییرات آن در سال های ۱۳۷۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵



جدول ۲: مساحت محدوده حریم طی سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۵

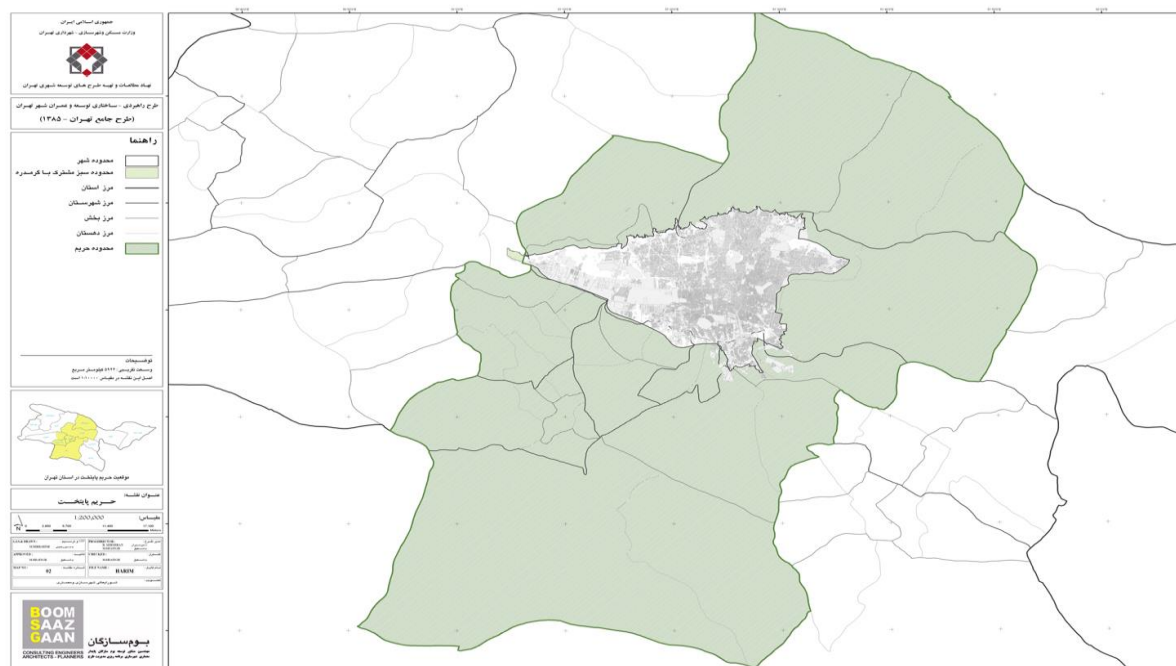
سال مصوبه حریم	مساحت حریم	تعداد آبادی ها
۱۳۴۷	۲۴۷۶	۲۷۶
۱۳۴۹	۲۱۳۵	۲۰۶
۱۳۷۰	۲۱۴۵	۲۰۶
۱۳۸۳	۱۸۰۰	-
۱۳۸۵	۵۹۹۱۹	۲۹۶

در طرح جامع تهران (۱۳۸۵) برای تهران کمربند سبزی تعریف شده است. کمربند سبز، مجموعه ای از کاربری‌های سبز است که تلفیقی از باغات مثمر و غیرمثمر، مزارع، پارک‌های شهری، پارک‌های جنگلی، قرق‌گاه‌ها و ذخیره‌گاه های ژنتیکی، فضاهای سبز اختصاصی (مانند جنگلکاری پیرامون کارخانه‌ها و پادگان‌ها) و... را در بر می‌گیرد.

اکنون کلانشهر تهران به عنوان پایتخت کشور با چالش‌های بسیاری در حریم شهری خود مواجه است. چالش کالبدی خود منشا ایجاد چالش اجتماعی مانند افزایش بزهکاری، افزایش مشکلات زنان و کودکان واقع در حریم، کاهش امنیت اجتماعی و ... و همچنین چالش اقتصادی یعنی ایجاد بیکاری، کانون‌های فعالیت نا کارآمد و غلبه بخش غیررسمی و ... در نهایت چالش‌های زیست محیطی مانند آلودگی هوا، آلودگی صوتی، مشکلات آلودگی آب، فاضلاب و خاک و از بین رفتن فضای سبز، گونه‌های گیاهی و جانوری و زمین‌های زراعی در حریم کلانشهر تهران می‌باشد. (نامدار، ۱۳۹۱، ۴)

چنین وضعیتی - فقدان پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی - امکان توسعه پایدار حریم کلانشهر تهران را از بین برده است. از آنجا که در مناطق کلانشهری حریم بخش بلافصل شهر بوده و در ارتباط مستقیم و دوسویه (مرکز- پیرامونی) با آن است، توسعه پایدار کلانشهر تهران بدون توسعه پایدار حریم آن ممکن نخواهد بود.

نقشه ۲- نقشه حریم شهر تهران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری



لندن

منطقه کلانشهری لندن به عنوان منطقه عملکردی کلانشهر لندن، از ترکیب سه منطقه رسمی کشور انگلستان (East of England - South East - Greater London) تشکیل می‌شود. در سال ۲۰۰۱ جمعیت منطقه (ناحیه) کلانشهری لندن ۱۳,۹۳۵,۰۰۰ نفر و جمعیت لندن بزرگ ۷,۱۷۲,۰۰۰ میلیون نفر بوده است. بدین ترتیب جمعیت این منطقه ۱,۹ برابر و مساحت آن نیز ۵,۳ برابر لندن بزرگ است.

تصویر ۱: سه زیرمنطقه تشکیل دهنده منطقه کلان شهری لندن (از مناطق رسمی نه گانه کشور انگلستان و حرایم



منبع: مطالعات راهبردی حریم تهران، ۱۳۸۸

آنچه در عمده مطالعات به عنوان منطقه لندن مورد توجه قرار می گیرد، محدوده موسوم به لندن بزرگ (Greater London) است. لندن بزرگ با مساحت ۱۵۸۴ کیلومتر مربع، کوچک ترین منطقه از مناطق نه گانه انگلستان محسوب می شود. لندن با جمعیت ۵,۷ میلیون نفری در سال ۲۰۰۶ بزرگترین شهر اروپا است.

کمر بند سبز لندن قدیمی ترین و بزرگترین کمر بند سبز انگلستان محسوب می شود. کمر بند سبز لندن در ابتدا توسط قانون کمر بند سبز سال ۱۹۳۸ بنیان گذاشته شد. این قانون به نهادهای برنامه ریزی محلی اجازه می دهد که پیشنهادهای را در زمینه کمر بندهای سبز در طرح های توسعه شان بگنجانند. کمر بندهای سبز جدید در ابتدای ۱۹۵۵ ایجاد شدند. (CIELAP, 2010, 27-28) تقریباً ۹۲ درصد از کمر بند سبز لندن، اراضی توسعه نیافته است. اما تنها ۵۸ درصد از این اراضی به عنوان اراضی کشاورزی ثبت شده اند. ۱۴ درصد از اراضی کمر بند سبز اراضی کشاورزی درجه یک یا دو هستند و این بدان معنا است که شامل بهترین و حاصلخیزترین اراضی هستند. حدود ۵۵ درصد از اراضی کمر بند سبز لندن منظر اصلی خود را در قالب درختان، فضای جنگلی و رودخانه ها حفظ نموده اند. ۱۸ درصد از اراضی کمر بند سبز، درختزار (جنگلی) هستند. حدود پنج درصد نیز به فعالیتهای علمی خاص پیش بینی شده اند.

رشد نواحی شهری در حاشیه و داخل کمر بند سبز، منجر به تغییراتی در نواحی روستایی شده است. کشاورزی برای قرنها، شخصیت کالبدی، اقتصاد و فرهنگ نواحی شهری را شکل داده است اما اکنون فشارها بر هاله شهری سبب شده است که کشاورزی از منظر اقتصادی، کالبدی و فرهنگی به گونه ای از جمعیت شهری منفصل شود. به علاوه کشاورزان هاله شهری با مشکلات دیگری از قبیل وندالیسم، فشارهای توسعه، قیمت بالای زمین، رقابت و تهدید دیگر کاربری های غیر سازگار و کمبود زیرساخت های محلی مورد نیاز برای کشاورزی مانند دامپزشکی و کشتارگاه مواجهند (Ibid, 47-49). در مجموع، آنچه عمدتاً در ارتباط با مفهوم عام حریم در تجربه لندن اهمیت

می‌یابد، مفهوم "کمربند سبز" (Green Belt) است. مهم‌ترین نتایج و تحلیل‌های مرتبط با سه حوزه نظام مدیریت و برنامه ریزی و قوانین و مقررات موثر بر محدوده هاله روستا- شهری لندن به شرح زیر است:

(۱) بخشی از کمربند سبز لندن در ناحیه حکومت لندن بزرگ واقع شده است اما بیشتر آن در محدوده نهادهای محلی پیرامونی واقع شده است. حکومت لندن بزرگ از یک سو بر محدوده ۱۰ درصدی خود در کمربند سبز نظارت و کنترل دارد و از سوی دیگر همگام با سند PPG2 در زمینه توسعه لندن بزرگ در چارچوبی پایدار و سازگار با کمربند سبز لندن اقدام می‌نماید.

(۲) نهادهای گسترده بخش عمومی، دولتی و خصوصی در نظارت بر فرآیند حفاظت و توسعه کمربند سبز لندن تاثیر گذار هستند. سازمان غیر دولتی با نام "کمپین حفاظت از انگلستان روستایی" (CPRE)، شورای کمربند سبز لندن، وزارت محیط زیست، تغذیه و امور روستایی (Defra) انگلستان، مهمترین آنها محسوب می‌شوند.

(۳) طرح‌های متعددی چون طرح ابنزر هاوارد (۱۸۹۸)، طرح ابرکرامبی (۱۹۹۴)، طرح توسعه لندن بدریگ (۱۹۷۶) و طرح لندن (۲۰۰۴) از مهم‌ترین طرح‌هایی هستند که تا امروز بر کمربند سبز لندن تاثیرگذار بوده‌اند. همچنین، سند راهنمای برنامه‌ریزی موسوم به PPG2 به عنوان سند اصلی تاثیرگذار در هدایت توسعه کمربند سبز انگلستان و از جمله لندن قابل توجه است. البته باید توجه نمود که بر اساس تغییرات قانونی حاصل شده در پی تصویب قانون برنامه‌ریزی و خرید اجباری، استراتژی‌های فضایی منطقه‌ای (RSS) و چارچوب طرح‌های محلی (LDF) دو مورد از طرح‌هایی هستند که از سال ۲۰۰۳ بدین سو در توسعه کمربند سبز لندن موثر خواهند بود.

پاریس

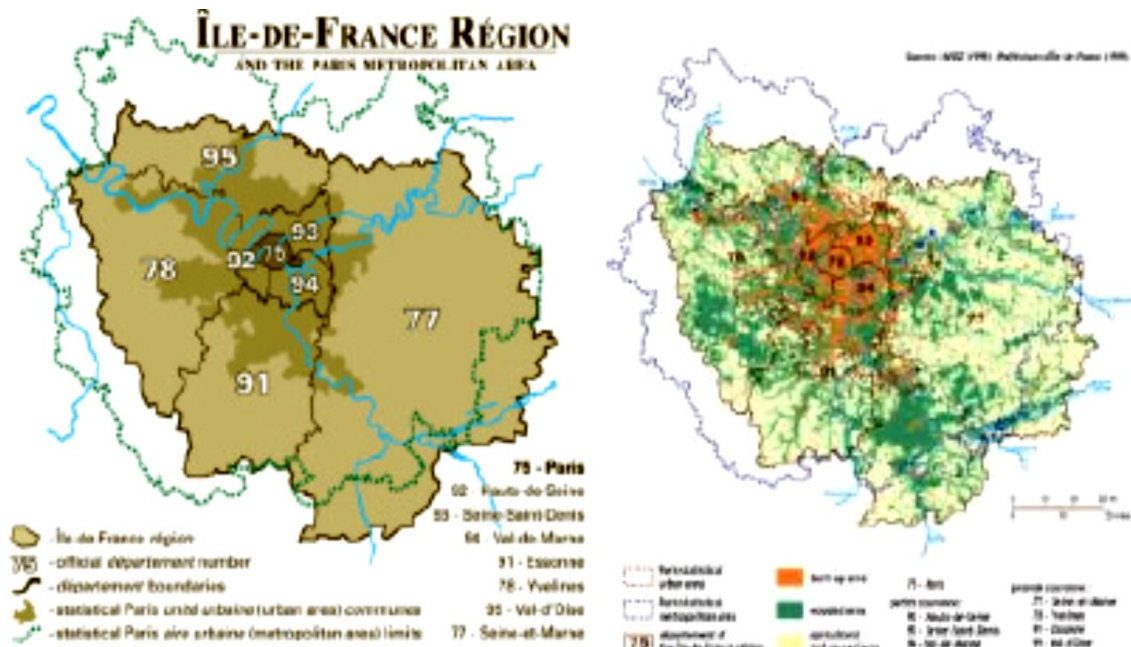
منطقه ایل دو فرانس پاریس^۱ منطقه کلانشهری دربرگیرنده پاریس، پایتخت کشور فرانسه، محسوب می‌شود. این منطقه با جمعیت ۱۱,۶۹۴,۰۰۰ نفر (حدود ۲۰ درصد جمعیت فرانسه) در ابتدای سال ۲۰۰۸ و مساحت ۱۲,۰۱۲ کیلومتر مربعی، دارای تراکم جمعیت ۹۷۳,۵ نفری در هر کیلومتر مربع است. ایل دو فرانس در رتبه اول فعالیت‌های اقتصادی در فرانسه قرار دارد و با بیش از ۲۵ درصد از GDP این کشور یکی از مناطق دارای رتبه برتر اقتصادی در سطح اروپا است.

اداره منطقه کلانشهری پاریس توسط حکومت منطقه ایل دو فرانس پاریس صورت می‌گیرد. این سطح ویژه حکمروایی، وظیفه اداره منطقه پایتخت کشور فرانسه- به عنوان منطقه عملکردی شهر پاریس- شامل هشت دپارتمان (از جمله دپارتمان پاریس) را برعهده دارد. بر اساس نظام تقسیمات سیاسی کشور فرانسه، این منطقه یکی از مناطق ۲۲ گانه این کشور محسوب می‌شود که دارای ۸ دپارتمان و حدود ۱۳۰۰ کمون است. نقش شورای منطقه ای ایل دو فرانس در این زمینه بسیار حساس و کلیدی است و در کنار جایگاه فرماندار منطقه‌ای، سازوکار اصلی برای ایجاد

¹ Paris – Ile-de-France

هماهنگی و همکاری میان قلمروهای متعددی که با موزاییک کردن محدوده منطقه ایل دو فرانس بر آن کنترل و نظارت دارند محسوب می شود.

تصویر ۲: منطقه کلانشهری پاریس



ماخذ: http://en.wikipedia.org/wiki/File:Paris_metropolitan_area.gif

افزایش جمعیت، علاوه بر توسعه سکونتگاهی در پیرامون پاریس که با رشد پراکنده در منطقه ایل دو فرانس نیز همراه بوده است، با حذف تدریجی کمربند سبز پاریس (ایل دو فرانس) موضوعی جدی بوده است و از این رو تلاش‌هایی برای احیاء مجدد آن در قالب پروژه‌ای با همین موضوع صورت پذیرفته است. طرح جامع منطقه ای ایل دو فرانس و طرح منطقه سبز، ۱۹۹۵ مهمترین اسنادی هستند که موضوع کمربند سبز و ساختار آن را به تفصیل مورد بررسی و پیشنهاد قرار داده اند. طرح جامع منطقه ای جدید ایل دو فرانس، فرصتی اساسی برای تطبیق و هماهنگ سازی برنامه ریزی شهری با برنامه ریزی عرصه‌های سبز فراهم نموده است. شاید به دلیل اهمیت و جایگاه محکم قانونی اسناد برنامه ریزی و طرح ریزی شهری و منطقه‌ای در فرانسه است که برای اجرای طرح کمربند سبز منطقه‌ای ایل دو فرانس، بر خلاف نمونه‌هایی چون لندن و تورنتو، قانونگذاری ویژه در این زمینه صورت نپذیرفته است.

برای حفاظت از فضاهای باز کمربند سبز، شورای منطقه ای از مجموعه ابزار گسترده پشتیبان قانونی، حمایتی و مالکیتی استفاده می کند و شبکه‌ای منسجم از شرکای سطوح مختلف قلمرویی و عناصر بخش دولتی، عمومی و خصوصی را ایجاد نموده که آماده بسیج ابزارهای خود هستند. از نظر سازوکارهای برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای، موسسه برنامه ریزی و توسعه شهری منطقه ای ایل دو فرانس پاریس موسوم به یوریف به عنوان نهادی عمومی و وابسته به حکومت منطقه‌ای با مأموریت اصلی پیشنهاد سیاست‌های برنامه ریزی و توسعه برای منطقه پایتخت فرانسه

و اجرای این سیاست‌ها دارای نقش غالب در این منطقه است. این موسسه در توسعه ایده کمربند سبز ایل دو فرانس نیز نقشی اساسی داشته است. (APUR, 2005)

در پی اصلاحات سال ۲۰۰۴، فرمانداران منطقه‌ای دستورالعمل‌های راهبردی حکومت مرکزی در منطقه را تنظیم می‌کنند. مطابق با سنت تاریخی برنامه‌ریزی و طراحی در فرانسه، این سازمان منطقه‌ای، اقدام به تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی در ابعاد مختلف فضای سبز ایل دو فرانس و نیز کمربند سبز ایل دو فرانس نموده است. (Laruelle and Legenne, 2008: 227-236)

تصویر ۳: الگوی کمربندهای سبز ایل دو فرانس



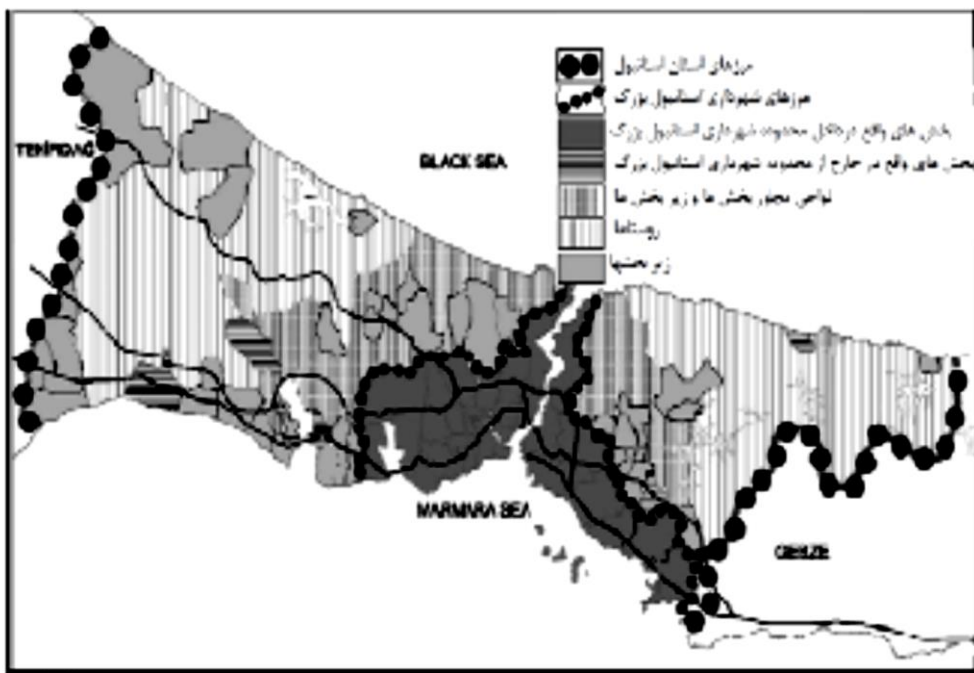
استانبول

استانبول با ۱۲,۷۸۲,۹۶۰ نفر جمعیت در سال ۲۰۰۹ و میزان رشد ۳,۱ درصد در فاصله سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۵، به عنوان دومین منطقه کلانشهری بزرگ اروپا و چهارمین محدوده شهری بزرگ جهان از منظر جمعیتی، ۱۸,۸ درصد از کل جمعیت کشور ترکیه را به خود اختصاص داده است (Talukder, 2006:4). قلمرو قانونی شهرداری کلان شهری استانبول ۱۸۳۰,۹۲ کیلومتر مربع است.

امروزه در ترکیه سه گونه حکومت محلی وجود دارد: (۱) حکومت محلی استانی، (۲) شهرداری، (۳) اداره روستا. یکی از ویژگیهای منحصر به فرد نظام اداری ترکیه این است که در کنار حاکمیت‌های محلی مورد اشاره، واحدهای حکومت مرکزی وجود دارند (ایکوت، ۱۳۸۱: ۱۴۸).

مفهوم منطقه کلان شهری از لحاظ قانونی روشن نشده است و ساز و کار مشخصی برای اداره این منطقه وجود ندارد. در چنین شرایطی محدوده هاله شهری، از قبیل حوزه‌های آبخیز، نواحی جنگلی، مناطق صنعتی و نواحی سکونت به طور مستقل و پراکنده توسط نهاد هایی چون استانداری، بخشداری و ... اداره می‌شوند و از حیث کنترل شهرداری کلان شهری استانبول خاج هستند که بیش از ۶۵ درصد از مساحت ناحیه کلانشهری استانبول را در بر می‌گیرد.

تصویر ۴: واحدهای مدیریتی استانبول و نواحی خارج از محدوده مصوب



ماخذ: (Eyubdoglu, 2004: 4)

بررسی و تحلیل مختصات و ویژگیهای شهرداری کلان شهری استانبول، نشانگر ضعف و فاصله قابل توجه این نهاد در مقایسه با سایر نمونه های موفق حکومت کلان شهری در جهان است. موارد زیر را می توان به عنوان برخی از مشکلات و زمینه های ضعف شهرداری کلان شهری استانبول مورد اشاره قرار داد (Turgut, 2005, 5-8):

- نظام سازمانی فاقد یکپارچگی و توزیع قدرت فاقد تعادل است و در آن بی نظمی مشاهده می شود.
- توزیع منابع ناکارآمد و نامتعادل بوده و سیستم هماهنگی و تشریک مساعی عوامل موثر فراهم نشده است.
- محدوده های قدرت، امکانات و وظایف روشن نیست و همواره محل جدل است.
- در ساختار موجود، بوروکراسی اداری غلبه دارد (و مانع تحول وضع موجود است).
- مرزهای ناحیه کلان شهری تعریف نشده اند و در تعریف قلمروها هماهنگی کافی وجود ندارد.
- نواحی برنامه ریزی نشده و خارج از کنترل متعددی وجود دارد.
- طرح ها و برنامه ها قابلیت اجرای خود را به سبب تصمیمات متفرق و مستقل از دست داده اند.

همانگونه که (Ibid:14) در زمینه قدرت طرح های کالبدی در استانبول^۱ اشاره می کند، این طرحها به دلیل ضعف ابعاد قانونی و نهادی مورد نیاز، جدا از مشکلات احتمالی موجود در محتوای طرحها، فاقد توان لازم برای هدایت مطلوب توسعه فضایی استانبول هستند.

^۱ THE POWER OF PHYSICAL PLANS ON SPATIAL DEVELOPMENT OF ISTANBUL

اگرچه قانون توسعه ۱۹۸۵ به شیوه‌ای رادیکال، فعالیت برنامه‌ریزی را تحول بخشیده است، اما همچنان بخشی از فعالیت‌های برنامه‌ریزی محلی در اختیار دولت مرکزی و نهادهای وابسته بدان باقی مانده‌اند و این موضوع ضرورت ارتقاء جایگاه طرح‌های محلی را مطرح می‌سازد.

آنگونه که مطالعاتی از قبیل (ÇIRACI and KUNDAK, 2000) نشان می‌دهند، استانبول اکنون نیازمند تجدید ساختار فضایی خود به گونه‌ای است. علاوه بر یکپارچگی فضایی و کالبدی در استانبول، عمده مطالعات بر این موضوع تاکید دارند که استانبول باید به سوی یکپارچگی در نظام برنامه‌ریزی و حکمروایی حرکت کند تا بر چالش‌های موجود فائق آید. پیش بینی قوانین و طرح‌هایی به منظور معرفی این پهنه به عنوان کمربند سبز و اعمال ضوابط کنترلی ویژه در این محدوده ضروری است.

در استانبول، ساخت و ساز غیر مجاز به گروه‌های کم درآمد محدود نمی‌شود. بلکه بخش‌هایی از ناحیه کلانشهری استانبول، به محلی برای ساخت و ساز غیر مجاز برای گروه‌های دارای درآمد متوسط و بالا تبدیل شده است. یکی از نکات مهم در ارتباط با استانبول، شکل‌گیری اجتماعات دروازه‌دار (کنترل شده)^۱ در محدوده پیرامونی استانبول است. این اجتماعات محلی که برای سکونت گروه‌های درآمدی متوسط بالا با جستجوی کیفیت زندگی بالاتر و نیز تسهیلات و خدمات مناسبی برای زندگی است، به نوعی هدایت‌گر توسعه محدوده پیرامونی استانبول شده‌اند.

تورنتو

در تجربه تورنتو و مناطق قابل بررسی هم پیوند در برگیرنده آن یعنی "منطقه تورنتو بزرگ" و "منطقه نعل طلایی"، با موزاییک کردن سطح سرزمین و حرکت به سوی الحاق و ادغام قلمروهای شهرداری‌های محلی در قالب شهرداری‌های منطقه‌ای و از جمله تشکیل شهر جدید تورنتو از ترکیب شش شهر پیشین، محدوده سرزمینی تحت اداره و برنامه‌ریزی قرار دارد. موضوعی که در ارتباط با مفهوم عام حریم در تجربه تورنتو اهمیت می‌یابد، مفهوم "کمربند سبز" است. در مجموع مهم‌ترین نکات و ویژگی‌های مدیریت مناطق پیراشهری تورنتو به شرح زیر است:

(۱) بنیان قانونی کمربند سبز اونتاریو را "قانون کمربند سبز" سال ۲۰۰۵ بنا نهاد. بر اساس این قانون حکومت ایالتی اونتاریو، متولی تهیه طرح کمربند سبز است و شهرداری‌ها می‌باید کلیه طرح‌ها و اقدامات توسعه‌ای خود را در چارچوب این طرح و منطبق بر آن هدایت نمایند.

(۲) در هدایت و نظارت بر امور کمربند سبز اونتاریو، مهمترین عناصر نهادی دخیل عبارتند از؛ دولت ایالتی اونتاریو؛ دولت ایالتی اونتاریو (و به طور روشن، وزارتخانه شهرداری‌ها و مسکن آن)

- شورای کمربند سبز: بر اساس قانون کمربند سبز ۲۰۰۴، به منظور ارائه توصیه و مشاوره به وزیر امور شهرداری‌ها و مسکن ایالت اونتاریو تاسیس شده و به فعالیت می‌پردازد.

- شهرداری‌ها: هریک از شهرداری‌های واقع در منطقه در زمینه نظارت، توسعه و ارتقاء شرایط کمربند سبز که در قلمرو آنان واقع شده است مسئولیت دارند. از آن جمله، شهرداری تورنتو است.

^۱ Gated communities

- ائتلاف کمربند سبز اونتاریو: سازمانهای غیردولتی و غیرانتفاعی موثر در کمربند سبز تورنتو در قالب یک ائتلاف به فعالیت می‌پردازند که نقش نظارتی بر شرایط کمربند سبز را بر عهده دارد.

۳) جدا از طرح‌های معمول نظام کلان برنامه‌ریزی فضایی کانادا از جمله بیانیه سیاست ایالتی PPS^۱، طرح‌های رسمی شهرداری‌ها، طرح‌های روستایی و غیره، طرح توسعه کمربند سبز اونتاریو، نظارت بر توسعه آن و نیز انطباق طرح‌های محلی، در چارچوب طرح کمربند سبز اونتاریو صورت می‌گیرد. این طرح باید هر ده سال یک بار تهیه شود. این طرح، در واقع طرحی با رویکرد استراتژیک است که به طور جامع ابعاد مختلف کمربند سبز از قبیل محیط طبیعی، زیرساخت‌ها، کاربری زمین و زونینگ، محدوده‌های حفاظت شده طبیعی و میراثی، کشاورزی، منابع آب، فضاهای باز و غیره را مورد توجه قرار می‌دهد. (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۴، ۲۷۶-۲۷۸)

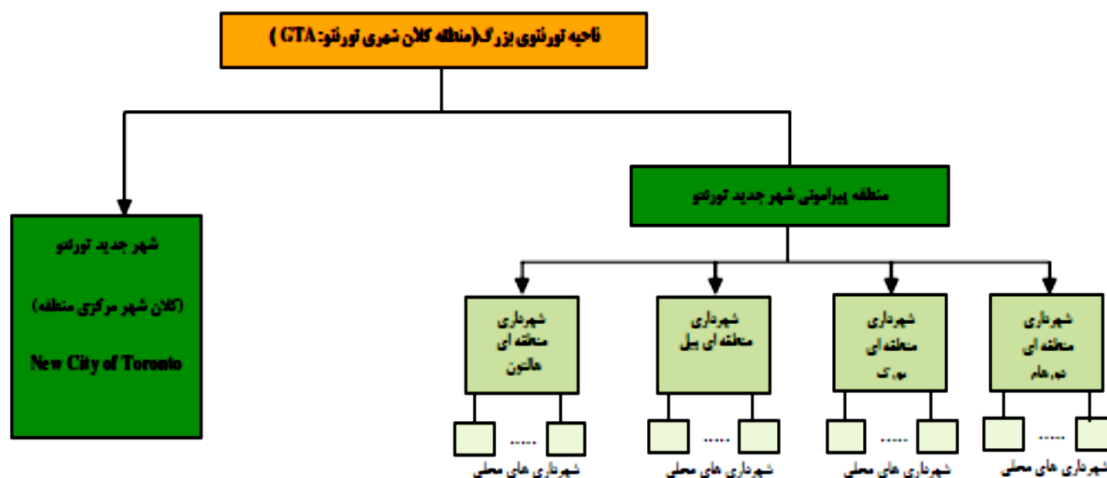
۴) جدا از قوانین و مقررات عام فدرال و ایالتی، مهمترین قوانین خاص تاثیرگذار بر محدوده روستا- شهری تورنتو شامل قانون کمربند سبز ۲۰۰۴، قانون حفاظت از جنگل‌های بلوط ۲۰۰۱، قانون برنامه‌ریزی و توسعه اونتاریو ۱۹۹۴ و قانون شهر تورنتو ۱۹۹۷ هستند.

۵) در توفیق کمربند سبز تورنتو، جدا از حمایت‌های گروه‌های اجتماعی و سیاسی، اجرای برنامه‌های آموزشی و اطلاع رسانی برای گروه‌های مختلف سنی، جنسی و شغلی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۶) یکی از مهمترین زمینه‌های تداوم حیات اقتصادی و اجتماعی در کمربند سبز اونتاریو، حمایت نهادهای موثر در توسعه آن از فعالیت‌های کشاورزی و گردشگری است. این امر از یک سو با اعطای کمک‌های مالی گسترده پژوهشی و مطالعاتی برای موسسات فعال در این امر همراه است و از سوی دیگر با اجرای برنامه‌های حمایتی مالی و فنی گسترده، مشوق فعالان بخش کشاورزی و گردشگری است. به تدریج تلاش می‌شود از طریق تبلیغات، برگزاری جشنواره‌های توریسم غذایی، بازارچه‌های فروش مستقیم محصولات کشاورزی، ایجاد فروشگاه‌های آنلاین و غیره در اذهان شهروندان کیفیت مواد غذایی و کشتورزی گنجانده شود و از این طریق با ایجاد بازار اقتصادی مناسب برای تولیدات بخش کشاورزی، کشاورزان و سرمایه گذاران این بخش به حفاظت از اراضی کشاورزی واقع در کمربند سبز و عرضه محصولات خود به بازاری بسیار نزدیک و جذاب تشویق شوند.

¹ Provincial Policy Statement

تصویر ۵: ناحیه تورنتوی بزرگ و عناصر تشکیل دهنده آن



منبع: مطالعات تطبیقی طرح راهبردی حریم تهران، ۱۳۸۸

داکا

گرچه وسعت ابر شهر داکا ۱۵,۲۸۱,۰۰۰ کیلومتر مربع است، محدوده شرکت شهری داکا دارای مساحت ۵,۱۸۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است. این بدان معناست که بیش از ۶۶ درصد از مساحت منطقه داکا، خارج از نظارت و کنترل شرکت شهری داکا است. با توجه به فقدان هر نوع سازوکار منطقه ای در اداره داکا، این موضوع به معنای گسترش سکونتگاه‌های برنامه ریزی نشده در محدوده منطقه داکا است، که واجد پایین ترین سطح کیفیت محیطی و کالبدی هستند.

علیرغم ایجاد نهادهای خاص چون نهاد توسعه پایتخت، نهاد آب و فاضلاب داکا، نهاد تامین برق داکا، پلیس کلانشهری داکا و هیئت اردوگاهی داکا و ... برای جلوگیری از ساخت و ساز بی برنامه، هیچ گونه سازوکار منطقه‌ای برای هدایت و کنترل توسعه منطقه کلانشهری داکا و مدیریت ابعاد مختلف توسعه آن تاکنون محقق نشده است و در این شرایط حریم شهری داکا نیز فاقد متولی مقتدر و توانمند باقی مانده است.

کمتر از چهار درصد محدوده منطقه کلانشهری، بافت ساخته شده شهری است و باقی آن شامل اراضی کشاورزی، جنگل‌ها، رودخانه و اراضی تالابی است. شرایط پراکنده‌رویی و گسترش بدون برنامه سکونتگاه‌های غیررسمی در این محدود همراه با ناتوانی یا بی توجهی نهادهای موثر، مجالی برای چنین اقداماتی باقی نگذاشته است و با توجه به سطح بالای آسیب پذیری داکا در مقابل حوادث طبیعی، این شهر را در مقابل حوادث طبیعی از قبیل سیلاب‌ها و طوفان‌ها آسیب پذیرتر نموده است.

دولت کونی بنگلادش فاقد ظرفیت فنی و مالی کافی برای مواجهه با مشکلات هاله شهری است و اراده و جهت گیری سازمانی خوبی برای مدیریت رشد هاله شهری داکا وجود ندارد. این در حالی است که مشکلات مدیریت هاله شهری، مشکلات منفردی نیستند که بتوانند یک شبه و از طریق یک راه حل تک بعدی و واحد برطرف گردند، بلکه مشکلاتی چند وجهی هستند که باید از طریق راه حل‌های میان رشته ای و یکپارچه مرتفع گردند (Masum, 2009, 3).

جدول ۳: رشد جمعیت شهرنشینی در بنگلادش و جمعیت شهر داکا

سال	کل جمعیت شهری (میلیون نفر)	کل جمعیت داکا (میلیون نفر)	درصد از کل جمعیت	میانگین نرخ رشد سالانه (%)	
				شهر داکا	تمامی نواحی شهری
۱۹۵۱	۱.۸	۰.۴۱	۴.۳۳	۱.۶۹	۱.۲۸
۱۹۶۱	۲.۶۴	۰.۷۲	۵.۱۹	۳.۷۵	۵.۷۴
۱۹۷۴	۶.۲۷	۲.۰۶۸	۷.۸۷	۶.۶۲	۸.۴۷
۱۹۸۱	۱۳.۵	۳.۴۴	۱۵.۵۴	۱۰.۶۳	۷.۵۳
۱۹۹۱	۲۰.۹	۶.۴۸	۲۰.۱۵	۵.۴۳	۶.۵۵
۲۰۰۱	۲۸.۸	۹.۹۱	۲۳.۳۹	۳.۲۷	۴.۳۳

ماخذ: (Islam, 2007: 22)

در شرایطی که دولت توسعه برنامه ریزی شده را برای رفع مشکل بدمسکنی گروههای کم درآمد در هاله شهری داکا پیگیری نموده است، اراضی پیش بینی شده برای این امر، در عوض آن که به استفاده گروههای کم درآمد جامعه برسد و مشکی از گره مسکن این گروهها بگشاید، فرصتی برای بورس بازی زمین و نیز بهره برداری گروههای دارای سطح درآمدی بالا فراهم نموده اند.

در مجموع، داکا فاقد تجربه و توان مناسب در برخورد با مشکلات واقع در محدوده هاله شهری است. فقدان سازوکارهای برنامه ریزی و مدیریت حریم در داکا و رها شدن این محدوده در دام پراکنده رویی و سکونتگاههای غیررسمی، همراه با زوال سریع محیط طبیعی آن را به یکی معروفترین و مهمترین تجارب توسعه ناپایدار شهری بدل ساخته است. (Talukder, 2006, 243) در ابر شهر داکا، مفهوم حریم اساساً به عنوان مفهوم حاشیه شهری مطرح است. این محدوده فاقد هرگونه تعریف رسمی و مشخص به عنوان مکانی برای توقف کنترل توسعه شهری، ایجاد کمربند سبز کلانشهری و یا پیش بینی نیازهای آتی توسعه شهری است. در چنین شرایطی محدوده فوق، به محلی برای توسعه سکونتگاههای غیر رسمی و زوال محیط طبیعی بدل شده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

- پیوستار مفهومی و کارکردی حریم: بررسی مفاهیم مختلف علمی و حقوقی درباره حریم و نیز مطالعات تجربیات جهانی مبین دو الگوی کاملاً شناخته شده و روشن درباره عقلانیت حریم و کارکردهای آن است؛ (۱) الگوی کمربند سبز که برگرفته از تجربه بریتانیا (و گسترش بعدی آن در کشورهای مختلف نظیر فرانسه، کانادا و ...) است و (۲) الگوی امریکایی اعمال قدرت فرامرزی که تلقی قانونی و رسمی از حریم در ایران متأثر از آن است. سیاست تعریف کمربند سبز اکنون برای تمامی شهرهای بریتانیایی با اثر بخشی بالایی در حال پی گیری است. اما سیاست تعریف محدوده اعمال قدرت فرامرزی برای شهرهایی اثر بخشی بالایی خواهد داشت که در محدوده بلافصل آن، شهر یا شهرها و محدودههای دیگری وجود نداشته باشد. یادآوری

این نکته لازم است که براساس قانون، بیشترین وسعت مجاز این محدوده برای شهرهای آمریکایی به عرض هشت کیلومتر خواهد بود.

- به لحاظ منطقی می توان دو سیاست کاملاً متضاد در دو سوی یک طیف را درباره حریم یا هاله شهری یا کلان شهری متصور بود: سیاست ممانعت کامل از توسعه که در نمونه های اروپایی یا آمریکایی با ایجاد قلمروهای فیزیکی (هاله یا کمربند سبز) دنبال می شود و سیاست آزادی کامل برای توسعه این ناحیه. در بین دو سر این طیف نیز می توان حالت میانه ای را متصور شد. البته مقصود از ممانعت از توسعه در اینجا توسعه مسکونی است. در مورد حالت میانه، این محدوده عرضی بیش از هشت کیلومتر نخواهد داشت که البته به عنوان محدوده ذخیره توسعه آینده شهر مطرح است، نه محدوده ممانعت توسعه^۱. هر دو نمونه این سیاست ها را می توان بر اساس فرهنگ سیاسی و مقتضیات و شرایط محیطی و سرزمینی هر کشور تفسیر و توجیه کرد.
- در شرایطی که همه شهرداری ها و دهیاری ها و حتی بخشداری ها و فرمانداری ها و حتی نهادهای دولتی دیگر گستره حریم را به عنوان یک بستر و پتانسیل توسعه در نظر می گیرند و برخی حتی آن را به عنوان منبع درآمدی بالقوه و بالفعل تجربه می کنند چگونه می توان گستره این محدوده را از گزند هجوم ساخت و ساز حفظ نمود. (سهم درآمد شهرداری ها از ساخت و ساز به بیش از ۹۰ درصد کل درآمدهای آنها می رسد)
- رابطه حریم و منطقه کلانشهری تهران: حریم پیشنهادی طرح جامع تهران با مساحتی حدود ۶۰۰۰ کیلومتر مربع (مشابه وسعت کمربند سبز لندن با ۵۰۰۰ کیلومتر مربع) بنا بر تعریف محدوده مرکزی و هسته پرتنش منطقه کلان شهری تهران را در بر می گیرد. درباره رابطه طرح مجموعه شهری و طرح حریم می توان گفت که طرح مجموعه شهری علی الاصول به عنوان یک طرح کاربری زمین منطقه ای، طرح فرادست طرح حریم محسوب می شود. در زمینه رابطه این دو قلمرو، آنچه که اهمیت بیشتری دارد رابطه "نظام مدیریت مجموعه شهری و نظام مدیریت حریم" است. از نگاهی دیگر اگر کلانشهر تهران بتواند ساز و کار موفقی را برای برنامه ریزی و کنترل توسعه فضایی محدود حریم تدارک ببیند بخش عمده ای از دغدغه های واقعی طرح مجموعه شهری پاسخ داده خواهد شد.
- مفهوم کمربند سبز علاوه بر کارکرد سنتی خود به عنوان ابزاری برای جلوگیری از رشد فیزیکی نواحی شهری بزرگ و نیز جلوگیری از ادغام شهرها و شهرک های همجوار، اکنون در زمینه کارکردهایی چون توسعه کشاورزی شهری (به ویژه کشاورزی ارگانیک)، گسترش گردشگری و توریسم محلی و فرامحلی و ایجاد محیط های ویژه حفظ حیات وحش پیگیری شده است. ایجاد، حفاظت و توسعه کمربند سبز کلانشهری نیازمند ایجاد محیط قانونی، حمایت سیاسی و اختصاص برنامه های آموزشی، پژوهشی و بودجه های حمایتی محلی، ملی و منطقه ای است.
- اکنون پذیرفته شده است که مناطق کلان شهری، با چالش های محتوایی و رویه ای متعددی روبرو هستند و شهرداری ها و واحدهای حکومت محلی مجزا و منفرد فاقد توانایی و ظرفیت لازم برای اداره این مناطق اند.

^۱ موتور محرک جریان حومه نشینی گسترده الگوی آمریکایی، توسعه زیرساخت های حمل و نقل در هاله کلانشهری و وجود مشوق های مالی گسترده برای ساخت و ساز مسکن حومه ای است که از سوی خود دولت فدرال ارائه شده و می شود.

تحقق و توفیق هرگونه آلترناتیو به عنوان سازوکار مدیریت و برنامه ریزی حریم کلانشهری، در گرو ایجاد سازوکارهایی برای حکمروایی یکپارچه منطقه ای و یا پذیرش نقشه راهی برای استقرار چنین سازوکارهایی است. آن گونه که تجارب داکا و استانبول نشان داد، در نبود یا ضعف سازوکارهای رسمی یا داوطلبانه برای منطقه گرایی کلانشهری، نمی توان انتظار داشت اقدامات پراکنده نهادهای ملی و محلی بتوانند در حل مسائل موجود موثر واقع شوند.

- آموزش، پژوهش و اطلاع رسانی در زمینه رویکرد اتخاذ شده در ارتباط با حریم کلانشهری ضرورتی ویژه دارد. پیش از هر اقدام، باید زمینه ادراک شهروندان، متخصصان، مدیران (با ماهیت محلی، منطقه‌ای و ملی) و کلیه عناصر موثر در اداره منطقه از چشم انداز منتخب در ارتباط با آینده حریم فراهم آید.
- طرح‌های کالبدی- فضایی محض، فاقد توانایی در کنترل و هدایت پایدار فشارها و تقاضاهایی هستند که در محدوده هاله شهری روستایی وجود دارد.
- تجارب نشان می‌دهند برای مدیریت و برنامه ریزی محدوده حریم، لزوماً ایجاد سازمان و یا سطحی جدید و رسمی در حکومت محلی ضروری نیست. بلکه می‌توان از سازوکارهای نوآورانه، داوطلبانه و غیررسمی همانند تجربه لندن، پاریس و تورنتو بهره برد. سازمانهای مردم نهاد، ائتلاف‌های سازمانی، شوراهای رسمی و داوطلبانه و غیره، نقشی مهم در ایفای نقش نظارتی و حمایت از پیشبرد برنامه های نهادهای مسئول ایفا می کنند.
- هیچ مدلی از مدیریت و برنامه ریزی محدوده حریم به طور خاص و به طور عام حکمروایی منطقه ای، وجود ندارد که در همه مناطق کلانشهری دارای کارایی و تناسب باشد.
- مقوله‌هایی مانند مالکیت و حقوق مالکین اراضی واقع در محدوده‌های خاص حفاظتی پیرامون کلانشهرها یکی از چالش برانگیزترین موضوعات پیش روی مدیران بوده‌اند. ممنوعیت توسعه در محدوده‌های مصوب کنترل توسعه پیراشهری (مانند کمربند سبز) همواره با اعتراض مالکین و ذینفعان توسعه این اراضی مواجه بوده است.
- توفیق در سیاستها، برنامه ها و طرحهای مرتبط با محدوده‌های خاص حفاظت پیراشهری (مفهوم عام حریم)، نیازمند شکل‌گیری سطح قابل اعتمادی از "اراده ملی" (دولت مرکزی) "منطقه‌ای" و محلی است. در طرح‌هایی چون ایجاد و توسعه کمربند سبز به دلیل مواجه بودن شهرها (سطح محلی) و نیز سطح منطقه‌ای با حکومت و همچنین محدودیت‌های فنی و مالی، بدون حمایت گسترده دولت، نتایج و توفیقات کافی حاصل نخواهد شد.

منابع و ماخذ

- ۱- آیکوت، پولات اولولو، ۱۳۸۰، حکومت محلی در ترکیه، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و مافروشاه حسینی، از مقالات کتاب برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مسایل نظری و چالش‌های تجربی، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- ۲- امینی، مهدی، ۱۳۹۳، راهبردهای صیانت و توسعه پایدار مناطق کلانشهری (مطالعه موردی: کلانشهر تهران)، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

- ۳- اشرفی، شهنی، اقبال، ۱۳۸۹، چالش ها و رویکردها در مدیریت حریم شهری، شوراها، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی، شماره پنجم - شهریور ماه.
- ۴- برک پور، ناصر و ایرج اسدی، ۱۳۸۵، بررسی قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸.
- ۵- بوم سازگان، ۱۳۸۵، حریم شهر تهران (از گزارش های طرح جامع تهران، طرح واهبردی هدایت و کنترل تحولات کالبدی، اسناد) قسمت سوم: تدقیق و تکمیل طرح توسعه تهران.
- ۶- بیکر، ال. ترن، ۱۳۷۷، روش انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، انتشارات روش.
- ۷- بشیری عباس، براتی علی اکبر، پور رحیم مریم، ۱۳۹۰، شرایط فنی و ضوابط قانونی انواع حریم در حقوق کاربردی ایران، تهران.
- ۸- پیرز، جان. ای ریچارد بی رایپنسون، ۱۳۸۳، مدیریت راهبردی (برنامه ریزی، اجرا، کنترل)، ترجمه محمود حسینی، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران.
- ۹- سرور، رحیم، ۱۳۸۹، بررسی روند تحولات و آینده نگری گسترش سکونتگاه های غیررسمی در منطقه شهری تهران، فصلنامه هفت شهر، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۱۰- فرشیدی حسین، اسماعیلی اعظم، اهمیت حریم شهرها، فصلنامه شوراها، ۱۳۸۹.
- ۱۱- کاظمیان، غلامرضا، ۱۳۹۰، خوش بین به برنامه بدبین به اجرا، متن مصاحبه، فصلنامه شهر و ساختمان، سال نهم، شهریور و مهر ۱۳۹۰.
- ۱۲- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ پنجم.
- ۱۳- مهندسان مشاور طرح و کاوش، ۱۳۹۰، پیشنهاد نظام اجرایی و قانونی مدیریت حریم پاتخت و تعیین حدود و مرزهای نهایی آن، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- 14- APUR, 2005, APUR MISSION IN TEHRAN, April 21-30 2005 report, Municipality of Tehran, Tehran.
- 15- Caves, Roger (2005) Encyclopedia of the City, Routledge.
- 16- Laruelle, Nicolas and Legenne, Corinne, 2008, "The Paris-Ile-de-France Ceinture Verte" in Amarti Marco (Ed.) Urban Green Belts in the Twenty First Century, Ashgate.
- 17- Maclaren, V. W., 1996, Urban Sustainable Reporting, Journal of the American Planning Association, 62 (2), 184-202.
- 18- Mukomo, S., 1996, On Sustainable Urban Development in Sub-Saharan Africa, Cities, 13 (4), 265-271.
- 19- Marshall, F., Waldman, L., MacGregor, H., Mehta, L. and Randhawa, P. (2009) On the Edge of Sustainability: Perspectives on Peri-urban Dynamics, STEPS Working Paper 35, Brighton: STEPS Centre.
- 20- Pitzl, Gerald (2004) Encyclopedia of Human Geography, Greenwood Publication.
- 21- Talukder, Sirajul Haq, 2006, Managing Megacities: A Case Study of Metropolitan Regional Governance for Dhaka, Phd Thesis, Murdoch, University, Australia.
- 22- TURGUT, Sirma, 2005, "LOCAL GOVERNMENT – PLANNING RELATIONS WITHIN THE METROPOLITAN AREA OF ISTANBUL", esop 2005. scix.net/data/papers/att/592.fullTextPrint.pdf.
- 23- <http://fa.Wikipedia.org>

Archive of SID